گزارش

از میدان جنگ تا روز پزشک روایت «شرح درد اشتیاق»

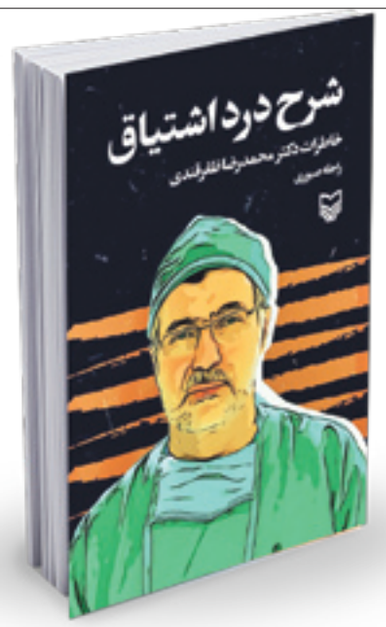

الهام رادمهر

اولین روز شهریور، روز پزشک، به یاد شیخ‌الرئیس ابن‌سینا در تقویم ما ثبت شده است؛ روزی که یادآور پیوند دیرین میان علم و اخلاق، درمان و انسانیت است. در چنین روزی، بازخوانی کتاب «شرح درد اشتیاق»، خاطرات دکتر محمدرضا ظفرقندی، معنایی تازه می‌یابد. این کتاب که از سوی انتشارات سوره‌مهر منتشر شده، نه صرفاً روایت شخصی یک پزشک از حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی، بیمارستان‌های صحرایی و در خط مقدم درمان کرونا بلکه سندی از تاریخ شفاهی جامعه پزشکی ایران است؛ جامعه‌ای که در بحرانی‌ترین شرایط، میان علم و ایمان، میان تکنیک و تعهد و میان مرگ و زندگی قرار گرفت.

روایت پزشک از متن جنگ

راوی «شرح درد اشتیاق» تنها به ثبت خاطرات فردی اکتفا نکرده است. او در جایگاه پزشک داوطلب، شاهد مستقیم میدان‌های نبرد بوده؛ میدان‌هایی که در آن زخم و مرگ هر لحظه فراگیر بود. چنین موقعیتی به روایت‌های او ارزش دوچندان می‌دهد زیرا پزشک علاوه بر درمانگر بودن، ناظر عینی حوادث نیز است. نگاه او برخلاف رزمنده یا فرمانده، بر بدن و جراحت تمرکز دارد، اما همین بدن‌ها حامل قصه‌های ایمان، مقاومت و فداکاری‌اند. بنابراین کتاب، ترکیبی است از خاطره جنگ و تجربه پزشکی.

در هم‌تنیدگی رنج و شور

«شرح درد اشتیاق» ترکیبی است پارادوکسیکال. درد، بازتاب زخم و رنج است؛ اشتیاق، نشانه میل و حرکت. ظفرقندی در روایت‌های خود نشان می‌دهد، چگونه این دو در جبهه به هم گره خوردند. پزشک هر روز با درد و خون مواجه می‌شد اما در پس این رنج‌ها، اشتیاق رزمندگان به حضور و شهادت جاری بود. عنوان کتاب در واقع جوهره تجربه او را در یک ترکیب کوتاه بیان می‌کند: پزشکی که هم شاهد درد بود و هم حامل اشتیاق.

زبان و ساختار اثر

نثر کتاب ساده، روان و در عین حال صادقانه است. دکتر ظفرقندی نه به دنبال آراستن خاطرات با صنایع ادبی است و نه به دنبال بزرگ‌نمایی. او با زبانی صریح از کمبودها، اضطراب‌ها و دشواری‌های طبابت در جبهه می‌گوید. همین صداقت روایت، کتاب را به منبعی ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ‌شفاهی تبدیل کرده است.

از حیث ساختار، کتاب بیشتر مجموعه‌ای از روایت‌های مقطعی است تا یک داستان پیوسته. هر بخش به واقعه‌ای خاص اختصاص دارد؛ از امدادرسانی به مجروحان در خطوط مقدم گرفته تا تجربه‌های تلخ از دست دادن رزمندگانی که امیدی به درمان‌شان نبود. این فرم اگرچه گاه پراکنده به نظر می‌رسد اما انعکاس طبیعی حافظه است؛ حافظه‌ای که لحظات تکان‌دهنده را جداگانه در خود حفظ می‌کند.

> **«شرح درد اشتیاق» ترکیبی است پارادوکسیکال. درد، بازتاب زخم و رنج است؛ اشتیاق، نشانه میل و حرکت. ظفرقندی در روایت‌های خود نشان می‌دهد، چگونه این دو در جبهه به هم گره خوردند**

پزشک در مقام همسنگر

یکی از جنبه‌های مهم کتاب، بازنمایی نقش چندلایه پزشک است. پزشک در جبهه تنها درمانگر زخم‌ها نبود. او گاه همسنگر رزمندگان بود، گاه شنونده وصیت‌های آخرین لحظات و گاه پناه روحی آنان. دکتر ظفرقندی در خاطراتش نشان می‌دهد، چگونه طبابت در شرایط جنگی با بعدی معنوی و عاطفی پیوند می‌خورد. وقتی رزمنده‌ای با بدن مجروح بر زمین افتاده و از پزشک می‌خواهد تا پیام آخرش را ثبت کند، پزشک دیگر فقط پزشک نیست؛ او تبدیل به حافظ وصیت و شاهد ایمان می‌شود.

در بخشی از فصل‌های پایانی کتاب درباره مقطع پایانی جنگ آمده است: «سال ۱۳۶۷، پس از پایان قطعی جنگ، زندگی کم‌کم به روال عادی برگشت. برای من که همیشه در رفت و آمد به جبهه و به نوعی درگیر جنگ بودم، فرصتی تازه مهیا شد تا به درس و فعالیت‌های عملی که علاقه اصلی‌ام بود بیشتر بپردازم. من همیشه در حال یادگیری بودم و هیچ وقت، حتی در پرمشغله‌ترین ساعت‌های زندگی‌ام، دست از یادگیری و مطالعه برنداشتم. آن روزها پایان دوره دستیاری جراحی عمومی را می‌گذراندم که از سال ۱۳۶۳ در بیمارستان سینا شروع شده بود.»

این بعد انسانی، «شرح درد اشتیاق» را فراتر از خاطرات حرفه‌ای قرار می‌دهد و آن را به سندی درباره هویت پزشک متعهد در فرهنگ ایرانی- اسلامی بدل می‌سازد.

نسبت علم و ایمان

یکی از محورهای تحلیلی مهم در این کتاب، نسبت علم پزشکی با ایمان دینی است. ظفرقندی در روایت‌هایش نشان می‌دهد، چگونه علم پزشکی در میدان جنگ بدون امکانات پیشرفته، تنها با اتکا به خلاقیت و ایمان کارآمد می‌شد. در بسیاری از روایت‌ها، پزشک با کمترین ابزار باید تصمیم‌های حیاتی بگیرد. این موقعیت‌ها نه فقط توانایی علمی که شهامت اخلاقی می‌طلبید. پزشک جبهه در این خاطرات نماد «علم متعهد» است؛ علمی که در خدمت انسان و در سایه ارزش‌های ایثار قرار گرفته است.

حافظه جمعی و اهمیت بازخوانی

«شرح درد اشتیاق» بخشی از حافظه جمعی جامعه پزشکی و ملت ایران است. اگر این خاطرات ثبت نمی‌شد، بخش بزرگی از تجربه زیسته پزشکان در دفاع مقدس از میان می‌رفت. اهمیت کتاب تنها در گذشته‌اش نیست؛ بلکه امروز نیز معنا دارد. در شرایطی که جامعه پزشکی امروز با بحران‌های پیچیده‌ای مانند فشارهای اقتصادی، چالش‌های اخلاقی یا همه‌گیری‌ها روبه‌روست، بازخوانی چنین خاطراتی می‌تواند یادآور هویتی متفاوت برای پزشک باشد؛ هویتی مبتنی بر ایثار، تعهد و همدلی.

نقد و کاستی‌ها

با وجود ارزش‌های چشمگیر، «شرح درد اشتیاق» بی‌نقص نیست. یکی از کاستی‌ها، فقدان انسجام روایی است. کتاب بیشتر شبیه مجموعه‌ای از قطعات خاطره است و خواننده گاهی پیوند میان بخش‌ها را گم می‌کند. همچنین انتظار می‌رود، روایت‌ها بیشتر به لایه‌های درونی و عاطفی پزشک بپردازد. خواننده دوست دارد بداند خود دکتر ظفرقندی در مواجهه با ناکامی‌های پزشکی، با مرگ بیماران یا با فشارهای روحی چه تجربه‌ای داشته است. این بخش‌ها در کتاب کم‌رنگ است. البته همین کمبود می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های تکمیلی و خاطرات تفصیلی‌تری در آینده باشد.

> **«شرح درد اشتیاق» صرفاً خاطره‌نگاری نیست؛ تلاشی است برای بازتعریف معنای پزشک در فرهنگ ما. پزشک در این کتاب انسانی است که در میانه سخت‌ترین شرایط، دانش خود را در خدمت دیگران می‌گذارد، از امکانات اندک بهترین بهره را می‌برد و همزمان با درمان جسم، مرهمی برای جان‌هاست**

نسبت کتاب با روز پزشک

روز پزشک یادآور ابن‌سیناست؛ چهره‌ای که علم پزشکی را با حکمت و فلسفه درآمیخت. «شرح درد اشتیاق» از زاویه‌ای دیگر همان سنت را ادامه می‌دهد: پزشکی که علم را با ایثار و ایمان پیوند می‌زند. اگر ابن‌سینا نماد عقلانیت پزشکی در تاریخ است، پزشکان جبهه و دکتر ظفرقندی نمایندگان پزشکی متعهد در دوران معاصرند. بازخوانی این کتاب در روز پزشک، ادای احترام به این سنت است؛ سنتی که پزشک را نه صرفاً یک تکنسین، بلکه شخصیتی اخلاقی و اجتماعی معرفی می‌کند.

بازتعریف پزشک متعهد

«شرح درد اشتیاق» صرفاً خاطره‌نگاری نیست؛ تلاشی است برای بازتعریف معنای پزشک در فرهنگ ما. پزشک در این کتاب انسانی است که در میانه سخت‌ترین شرایط، دانش خود را در خدمت دیگران می‌گذارد، از امکانات اندک بهترین بهره را می‌برد و همزمان با درمان جسم، مرهمی برای جان‌هاست. در روز پزشک، بازخوانی این اثر بیش از یک کار فرهنگی است؛ یادآوری این حقیقت است که جامعه ما همواره پزشکی را در پیوند با اخلاق و ایثار تعریف کرده است. امروز که پزشکی با چالش‌های تازه‌ای روبه‌روست، رجوع به تجربه‌های کتاب «شرح درد اشتیاق» می‌تواند چراغی برای راه آینده باشد؛ چراغی که از دل دردها، اشتیاق خدمت و انسانیت را زنده نگه می‌دارد.

کتاب «شرح درد اشتیاق، خاطرات دکتر محمدرضا ظفرقندی» به قلم راحله صبوری در ۴۶۶صفحه از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

مستند

«ستاره شد»، روایت کم‌شنیده زنان در میدان جنگ

مستند سریالی «ستاره شد» که از سوی مرکز مستند سوره تولید شده است، تجربه‌ای نو در عرصه مستندسازی معاصر ایران به شمار می‌رود؛ تجربه‌ای که تمرکز خود را بر نقش زنان در جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل گذاشته است، جنگی کوتاه اما پر از صحنه‌های تأثیرگذار و لحظات بحرانی.

این مجموعه در پنج قسمت، با نگاهی انسانی و زنانه، داستان‌هایی از پرستاران، خبرنگاران، امدادگران، تطهیرکنندگان شهدا و مادران و خواهران شهدا را بازگو می‌کند؛ زنانی که در دل بحران، بی‌ادعا و استوار ایستادند و نقش‌آفرینی کردند.

«ستاره شد» با روایتگری الهام چرخنده، تلاش دارد صدای زنانی باشد که معمولاً در متن تاریخ دیده نمی‌شوند. حضور راوی زن، علاوه بر ایجاد انسجام در روایت، به مجموعه جنبه‌ای صمیمی و ملموس می‌بخشد؛ انگار بیننده مستقیماً با زنان میدان جنگ گفت‌وگو می‌کند و تجربه‌های آنها را لمس می‌کند. روایت صمیمانه و نزدیک به مخاطب، به ویژه زمانی که زنان در لحظات دشوار، مسئولیت‌های حیاتی را بر عهده می‌گیرند، این مجموعه را از مستندهای تاریخی معمول متمایز می‌کند.

ساختار مستند بر پایه تصاویر آرشیوی، روایت‌های میدانی و ساختاری ژورنالیستی طراحی شده است. این ترکیب به مجموعه امکان می‌دهد تا هم ارزش تاریخی وقایع را حفظ کند و هم احساسات انسانی و انسانیت شخصی، به بررسی نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در بحران نیز می‌پردازد. زنان نه‌تنها به ایفای وظایف حرفه‌ای خود در شرایط بحرانی می‌پرداختند، بلکه با حضور خود در صحنه‌های مختلف جنگ، نشان دادند توانمندی و ایستادگی می‌تواند تأثیری تعیین‌کننده در روحیه جمعی جامعه داشته باشد.

این مستند در واقع پلی است میان تاریخ و فرهنگ معاصر ایران و تأکیدی بر اهمیت حضور زنان در همه عرصه‌ها.

یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص این مجموعه، ایجاد تعادل میان روایت فردی و تاریخی است. روایت‌های شخصی زنان، به بیننده کمک می‌کند تا با تجربه انسانی جنگ ارتباط برقرار کند؛ در حالی که اطلاعات تاریخی و ارجاعات به وقایع مهم جنگ ۱۲روزه، زمینه را برای درک دقیق‌تر متن فراهم می‌آورد. این ترکیب، مستند را به یک اثر آموزشی و تحلیلی قابل توجه تبدیل می‌کند، به گونه‌ای که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ نیز قرار گیرد.

مستند «ستاره شد» همچنین تأثیر روانشناختی حضور زنان در جنگ را به تصویر می‌کشد. نمایش لحظات استرس، امید و مقاومت، چالش‌ها و پیروزی‌های کوچک زنان در میدان جنگ، بخشی از تجربه انسانی جنگ را بازسازی می‌کند. این نگاه انسانی، به ویژه در زمینه مستندهای جنگ که معمولاً بر صحنه‌های خشونت و نبرد نظامی تمرکز دارند، تازگی و اهمیت دارد.

شخصیت‌ها را به خوبی منتقل نماید. تصاویر آرشیوی، با کیفیتی مناسب و انتخاب دقیق، حس حضور در روزهای جنگ را به بیننده منتقل می‌کنند، در حالی که روایت‌های زنده میدانی، به متن زندگی زنان و لحظات واقعی ایستادگی و شجاعت آنها رنگ و بوی ملموس می‌بخشد.

یکی از نقاط قوت «ستاره شد» پرداختن به خبرنگاران زن ایرانی است. برای نخستین‌بار در این مجموعه، نقش خبرنگاران زن در روزهای بمباران و بحران برجسته شده است؛ زنانی که میدان اطلاع‌رسانی را ترک نکردند و با دوربین و صدای خود، روایت رسمی از مقاومت مردم ایران را ثبت کردند. این زاویه دید، نشان می‌دهد جنگ صرفاً با نبرد نظامی تعریف نمی‌شود؛ بلکه نبرد اطلاعاتی، روانی و رسانه‌ای نیز بخشی مهم از مقاومت ملی است و زنان در این عرصه نیز سهم چشمگیری داشته‌اند.

کارگردان مجموعه، سیدرضا منتظری، در مصاحبه‌ای گفته است: «در این مجموعه تلاش شده از کلیشه‌های مرسوم فاصله گرفته شود و چهره‌های کمتر دیده‌شده، اما تأثیرگذار زن در میدان‌های بحرانی روایت شوند.» این هدف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا مستندسازی تاریخی معمولاً بر وقایع سیاسی و نظامی متمرکز است و نقش زنان، به ویژه در زمینه‌های غیرنظامی و پشتیبانی، کمتر برجسته می‌شود. «ستاره شد» با تمرکز بر این بعد، به بازتعریف جایگاه زن در تاریخ معاصر ایران کمک می‌کند.

«ستاره شد» علاوه بر ارائه روایت‌های از نظر هنری، مستند ترکیبی از روایتگری جذاب، تدوین دقیق و انتخاب موسیقی مناسب دارد که تأثیر احساسی روایت را افزایش می‌دهد. موسیقی به کار رفته، علاوه بر انتقال حس تاریخی، توانسته فضای صحنه‌ها را با احساسات زنان هماهنگ کند و لحظات بحرانی را به‌طور ملموس منتقل نماید. این هماهنگی میان تصویر، روایت و صدا، به بیننده تجربه‌ای تمام‌عیار از وقایع جنگ ارائه می‌دهد.

در مجموع، «ستاره شد» نه‌تنها به عنوان یک مستند تاریخی، بلکه به عنوان یک اثر هنری با نگاه انسانی و زنانه، جایگاه ویژه‌ای در سینمای مستند ایران پیدا کرده است. این مجموعه نشان می‌دهد، روایت تاریخ بدون حضور زنان ناقص است و هنرمندان مستندساز می‌توانند با انتخاب زاویه دید متفاوت، تصویری کامل‌تر و انسانی‌تر از وقایع ارائه دهند. در روزهایی که جنگ‌های مدرن و بحران‌های اجتماعی پیچیده‌تر شده‌اند، آثار چنین مستندی می‌توانند الگویی برای تولید محتوا با نگاه انسانی، زنانه و تحلیلی باشند.

«ستاره شد» تجربه‌ای موفق است در تلفیق تاریخ، هنر و روایت انسانی؛ تجربه‌ای که یادآور می‌شود هر داستان جنگ، بیش از هر چیز، داستان مقاومت، ایستادگی و امید انسان‌هاست و زنان نقش ویژه‌ای در این داستان‌ها داشته‌اند. این مجموعه به بیننده یادآوری می‌کند پشت هر تصویر تاریخی، انسان‌هایی با دل و قلبی زنده قرار دارند؛ زنانی که برای حفظ حیات و ارزش‌های جامعه، بی‌ادعا و پرصلابت ایستاده‌اند.

کتاب

چاه سرخ
روایت حماسی از نبردی فراموش‌ناشدنی

رمان «چاه‌سرخ» نوشته محمود مهدوی، اثری است که با نگاهی انسانی و دقیق به نبرد تاریخی چالدران، تجربه‌ای تازه از ادبیات حماسی معاصر ارائه می‌دهد. این نبرد در ۳۱مرداد ۸۹۳هجری شمسی، میان سپاه شاه اسماعیل صفوی و ارتش عثمانی به فرماندهی سلطان سلیم در دشت چالدران رخ داد و یکی از نقاط عطف تاریخ ایران به شمار می‌رود. مهدوی در این اثر، علاوه بر پرداختن به جریانات نظامی و سیاسی، به ابعاد انسانی و روانشناختی شخصیت‌ها نیز توجه ویژه دارد.

داستان از زبان زلیخا، ندیمه و محافظ تاجلی‌بیگم همسر شاه اسماعیل روایت می‌شود. حضور زلیخا در جریان جنگ و درگیری‌ها، امکان دیدن رخدادها از منظر انسانی و عاطفی را فراهم می‌کند. او نه تنها شاهد وقایع سیاسی و نظامی است، بلکه با احساسات، ترس‌ها و امیدهای شخصیت‌های دیگر نیز همراه می‌شود. این زاویه دید انسانی، رمان را از روایت صرفاً تاریخی به اثری زنده و قابل لمس تبدیل کرده است.

یکی از ویژگی‌های برجسته «چاه سرخ» شخصیت‌پردازی عمیق و دقیق است. زلیخا با تمام ضعف‌ها، دلهره‌ها و شجاعت‌هایش، نماینده انسان‌هایی است که در دل تاریخ بزرگ‌ترین آزمون‌ها را تجربه کرده‌اند. زبان شاعرانه و تصویری اثر، فضایی ملموس و سینمایی خلق می‌کند و مخاطب را به‌طور مستقیم در دل حادثه قرار می‌دهد. بدین ترتیب، رمان هم به عنوان یک اثر ادبی برجسته و هم به عنوان منبعی قابل اطمینان برای مطالعه تاریخ در بستر داستان قابل توجه است.

زبان و تصویرسازی

نمونه‌ای از متن کتاب: «نیزه‌ام را دادم جای عصا زیر بغلش گرفت... آرام قدم برداشتم و نخواستم شانه‌به‌شانه‌اش بروم و صدای نفسش را بشنوم و جانم گُر بگیرد.»

در این چند جمله، نه‌فقط صحنه‌ای از کمک به یک مجروح تصویر شده، بلکه عاطفه و کشمکش درونی راوی نیز موج می‌زند؛ همان ترکیب ظریف که مرز میان گزارش تاریخی و داستان ادبی را مشخص می‌کند.

> **چالدران هرچند برای ایران صفوی نتیجه‌ای تلخ داشت، اما درسی بزرگ برای تاریخ ما بود. پرداختن به این رویداد در قالب رمان، کمک می‌کند تا نسل امروز، فراتر از کلیشه‌ها و تاریخنامه‌ها، با واقعیت انسانی جنگ و مقاومت روبه‌رو شود**

جایگاه رمان تاریخی در ادبیات معاصر

رمان‌های تاریخی در ادبیات معاصر ایران، اغلب میان دو افراط در نوسان‌اند: یا به روایت خشک و گزارشی تاریخ فروکاسته می‌شوند یا در دام خیال‌پردازی بی‌ارتباط با گذشته می‌افتند. «چاه سرخ» ارزشمند است چون میان این دو قطب راه میانه‌ای یافته است؛ متنی که بر پژوهش دقیق تاریخی تکیه دارد، اما در عین حال با پرداخت داستانی و شخصیت‌پردازی، مخاطب امروز را جذب می‌کند. این نوع ادبیات به ما یادآوری می‌کند، تاریخ صرفاً مجموعه‌ای از تاریخنامه‌ها نیست، بلکه می‌تواند بستری برای خلق داستان‌هایی باشد که هم هویت تاریخی ما را بازتاب دهند و هم لذت خواندن ادبیات را فراهم آورند.

اهمیت ماندگار نبرد چالدران

چالدران در حافظه جمعی ایرانیان، تنها یک شکست نظامی نیست. این واقعه نقطه‌ای است که ضعف‌ها و قوت‌های یک ملت را به‌طور هم‌زمان آشکار کرد. از یکسو غلبه فناوری جنگی عثمانیان (به‌ویژه استفاده از توپ و سلاح گرم) در برابر شجاعت سپاهیان صفوی و از سوی دیگر، مقاومت و ایستادگی مردمانی که با وجود همه کمبودها حاضر به عقب‌نشینی نشدند. پرداختن به این نبرد، به ما یادآوری می‌کند تاریخ فقط میدان پیروزی‌ها نیست؛ شکست‌ها هم می‌توانند حامل درس‌های عمیق برای امروز باشند. «چاه سرخ» با روایت داستانی خود، این حقیقت را به‌خوبی منتقل می‌کند.

پیوند ادبیات و هویت تاریخی

چالدران هرچند برای ایران صفوی نتیجه‌ای تلخ داشت، اما درسی بزرگ برای تاریخ ما بود. پرداختن به این رویداد در قالب رمان، کمک می‌کند تا نسل امروز، فراتر از کلیشه‌ها و تاریخنامه‌ها، با واقعیت انسانی جنگ و مقاومت روبه‌رو شود. ادبیات حماسی- تاریخی همچون «چاه سرخ»، پلی میان نسل‌هاست؛ پلی که ارزش‌های ملی، مفاهیمی چون عزت، وفاداری و ایستادگی را از گذشته به امروز منتقل می‌کند.

در جهانی که شتاب و سطحی‌نگری حافظه جمعی را تهدید می‌کند، چنین آثاری اهمیت دوچندان دارند. آنها ما را به مکث دعوت می‌کنند تا ریشه‌های هویت‌مان را به یاد آوریم و بفهمیم پشت هر واقعه تاریخی، قصه‌هایی از خون، اشک و امید نهفته است.

«چاه سرخ» در همین معنا، ترکیبی است از پژوهش تاریخی دقیق، شخصیت‌پردازی زنده و زبانی روان که هم برای دوستداران تاریخ جذاب است و هم برای خوانندگانی که صرفاً به دنبال داستانی پرکشش‌اند.

جایزه ملی «داستان حماسی» و موفقیت «چاه سرخ»

رمان «چاه سرخ» در دومین دوره جایزه ملی «داستان حماسی» موفق به کسب مقام اول شد. این جشنواره که از سوی حوزه هنری خراسان‌رضوی برگزار می‌شود، با هدف ترویج ادبیات حماسی و بازخوانی رویدادهای تاریخی ایران تأسیس شده است. جشنواره، داستان‌ها و رمان‌هایی را که به حماسه‌ها و نبردهای تاریخی می‌پردازند، در قالب‌های رمان و داستان کوتاه یا نیمه‌بلند مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد و نقش مهمی در تقویت هویت ملی و ادبیات حماسی معاصر ایفا می‌کند.

در دومین دوره این جشنواره که اردیبهشت ۱۴۰۱ در آرامگاه فردوسی مشهد برگزار شد، ۹۹ اثر در بخش رمان به دبیرخانه ارسال شد. در نهایت، «چاه‌سرخ» به دلیل روایت انسانی، شخصیت‌پردازی عمیق و نگاه دقیق به تاریخ مقام اول را به دست آورد و جایزه نقدی، تندیس جشنواره و دیپلم افتخار را دریافت کرد. در همان دوره، رمان «داغ سرخ» به نویسندگی حسین شمس‌آبادی مقام دوم و رمان «موندو» اثر محمدرضا آریانفر مقام سوم را کسب کردند.

این جایزه با معرفی نویسندگان برجسته، فضایی برای رشد و ارتقای ادبیات حماسی فراهم می‌کند و به بازخوانی و ثبت حماسه‌های ملی ایران کمک می‌کند. موفقیت «چاه‌سرخ» در این جشنواره، اهمیت بازآفرینی رویدادهای تاریخی از زاویه انسانی و توجه به روایت‌های کمتر دیده‌شده را برجسته می‌سازد.

رمان «چاه‌سرخ» علاوه بر بازنمایی تاریخی جنگ چالدران، تجربه‌ای احساسی و انسانی از جنگ و مقاومت ارائه می‌دهد و به مخاطب امکان می‌دهد با شخصیت‌ها و سرنوشت‌های‌شان همذات‌پنداری کند. کسب مقام اول در دومین دوره جایزه ملی داستان حماسی، جایگاه ویژه این رمان را در میان آثار ادبی ایران تثبیت کرده است.

«چاه سرخ» نه تنها یک رمان تاریخی- حماسی است، بلکه نمونه‌ای از تلاش برای بازآفرینی حماسه‌های ملی و پیوند ادبیات با تاریخ و هویت فرهنگی ایران به شمار می‌رود. این اثر، هم برای پژوهشگران تاریخ و ادبیات و هم برای مخاطبان عام، فرصتی برای درک بهتر ابعاد انسانی جنگ و تاریخ فراهم می‌آورد و اهمیت نقش زنان در روایت‌های تاریخی را به شکل برجسته‌ای نشان می‌دهد.